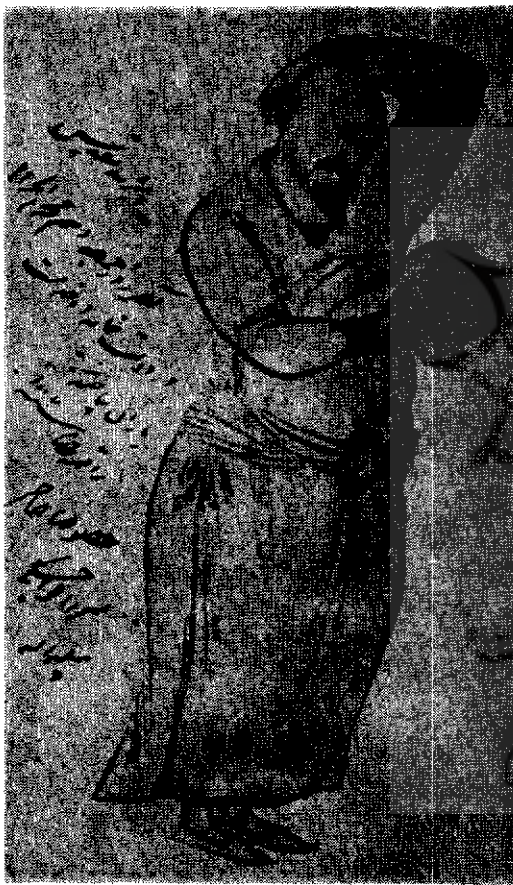


درباره رضا عباسی



زائر مشهدی ۶۷۹ × ۱۱۴ سانتیمتر

راجع به هویت رضا عباسی بقدر کفایت در مقالات مختلف بحث شده . بهتر این است مطالب گفته شده تکرار نشود مبادا مسئله هویت این نقاش پیچیده تر گردد . امروز دیگر کسی رضا عباسی نقاش را با علیرضای عباسی خوشنویس اشتباه نخواهد کرد . ولی شاید بعضی تصور کنند که آقارضا مصور همان رضا عباسی است . بنابراین در این مقاله کوشش خواهیم نمود هویت آقا رضا مصور را نیز روشن نماییم .

خانم زهرا داعی زاده در مجلد ۴ شماره ۵ - ۱۹۴۵ مجله «روزگارنو» با استفاده از کتاب «گلستان هنر» تألیف قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول هویت علیرضای عباسی خوشنویس و رضا عباسی نقاش را بخوبی مشخص نموده اند . برای اینکه مطلب تکرار نشود و برای کسانی که دسترس بمجله روزگارنو نداشته باشند خلاصه مقاله خانم زهرا داعی زاده را در اینجا نقل میکنیم :

قاضی احمد قمی نویسنده همعصر شاه عباس اول و علیرضای عباسی خوشنویس و رضا عباسی نقاش بوده و هنگامی که «گلستان هنر» را مینوشتند احتمالاً علیرضا در حدود ۳۵ تا چهل سال داشته ، زیرا میگوید :

«مولانا علیرضا تبریزی سابقاً در تلو خوشنویسان ثلث و نسخ ذکر ایشان شد اما چون در جیلت بیعتش مرکوز بود که در فن خط نسخ تعلیق سرآمد زمان و نادر دوران گردد طبع شریفش بدان مایل و ذهن منیعش بدان راغب گشت و شروع در مشق آن نمود و در اندک زمانی بزور وقوت ام الخطوط که عبارت از ثلث است خوشنویس گشت و خط را بجائی بلند رسانید و هر چه از مولانا میرعلی نقل مینمایند تفرقه چندان ندارد و آنچه از قلم گوهر ریز ایشان میریزد روز بروز تفاوت بین ظاهر میشود . وی بعد از ایامی که در مسجد جامع دارالسلطنه قزوین بکتابت و قطعه نویسی اشتغال داشتند بملازمت فرهادخان رسیدند و خان مشارالیه او را تربیت و رعایت فرموده جهت مومی الیه کتابت میکرد . دو سال همراه خان بخراسان و مازندران

رفت . چون شاه ممالک رقاب سپهر رکاب بر حقیقت احوال او اطلاع یافتند ایشان را از خان گرفته ملازم خود ساختند . اکنون ده دوازده سال است که در ملازمت رکاب ظفر انتساب

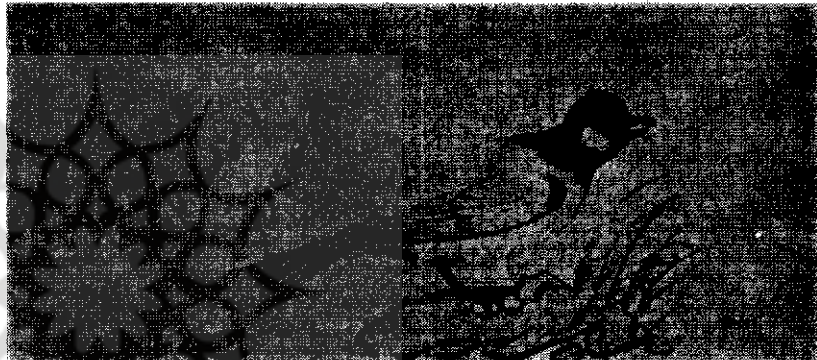
همانطوریکه بحقیقت نزدیک است ادا نموده . تنها درعکسی که درصحیفه ۶۹ در همان شماره مجله داده اشتباهی پیدا شده که احتمالاً از نویسنده مقاله نیست و ممکن است هنگام چاپ مقاله رخ داده باشد .

درواقع در صحیفه مذکور تصویری از رضا عباسی بامضای «معین مصور» شاگرد رضا عباسی درج گردیده و نویسنده مقاله در ذیل آن مرقوم داشته که یکی از کارهای رضا عباسی است . احتمال داده میشود که خانم داعی زاده عکس این تصویر را در کتابی یافته اند که نوشته آن واضح نبوده و نتوانسته اند متن عباراتی را که درست چپ تصویر نوشته بخوانند .

در کتابی که هنگام نمایشگاه صنایع ایران در لندن در سال ۱۹۳۱ بقلم «بازیل گری» بطبع رسیده تصویری از رضا عباسی

شاه کامبخش کامیاب در جمیع یورشها و یساقها اقدام دارند و از جمله مهربان و مخصوصان آن پادشاه عالمیاند «
اگر فرض کنیم که علیرضای کاتب هنگامی که در مسجد جامع قزوین کتابت میکرد در حدود ۱۸ تا ۲۵ سال داشته ، دو سال هم همراه فرهادخان بخراسان و مازندران رفته و ده دوازده سال هم در خدمت شاه عباس بوده ، در این موقع یعنی هنگامی که قاضی احمد قمی کتاب گلستان هنر را مینوشته ، وی احتمالاً در حدود ۳۵ تا ۴۰ سال داشته است . در مقاله خانم زهرا داعی زاده نقل از گلستان هنر راجع برضای عباسی چنین نگاشته شده :

«آقا رضا ولد مولانا علی کاشانیست . زمانه بوجود باوجود او افتخار مینماید . در تصویر و چهره کشی و شبیه کشی



راست : پرنده خواننده ۱۷۳×۱۱۳ سانتیمتر
چپ : مرد ریسند ۱۱۶×۶۴ سانتیمتر

نظیر و عدیل ندارد . اگر مانی زنده بودی و استاد بهزاد حیات یافتی روزی یکی صد آفرین بروی نمودی و دیگری بوسه بردست نهادی . همگی استادان و مصوران نادر زمان او را باستادی معلم دارند . هنوز ایام ترقی و جوانی او باقیست . وی در خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر رقاب سلطان شاه عباس خلدالله ملکه میباشد و میل تمام بتماشای کشتی گیران و وقوف در آن و تعلیمات آن دارد . یکمرتبه صورت ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه بردست او نهادند . معمولاً علاقه بوزش در بین ۱۸ تا ۲۵ سالگی پیدا میشود . بنابراین میتوان فرض نمود هنگامی که علیرضای عباسی خوشنویس در حدود ۳۵ تا ۴۰ سال داشته ، رضا عباسی نقاش بحدود ۱۸ تا ۲۵ رسیده بوده و در حدود ۱۵ تا ۲۰ سال با علیرضای عباسی خوشنویس اختلاف سن داشته است .
مقاله خانم زهرا داعی زاده بسیار روشن است و مطلب را

داده شده که باختلاف بسیار جزئی شبیه همان تصویری است که در مقاله خانم داعی زاده در مجله روز گارنو درج گردیده و در گوشه چپ آن عبارت زیر نوشته شده است : « شبیه مرحمت و مغفرت پناهی مرحوم جنت مکانی استاد رضا عباسی علیه الرحمه

۹۷۴ قرار میگیرد .

این فرض با فرض آقای مهندس صدراصدر در شماره اول فرهنگ جهان تطبیق نمیکند . فرهنگ جهان چنین اظهار میدارد : « در کتاب گلستان هنر منقول است که او در جوانی شهرت عالمگیر یافته و چون در سال ۱۰۰۷ که مقیم مشهد بوده تصویر یکی از دوستانش میرزا خواجگی را طرح نموده که بسیار استادانه است میتوان گفت در آنسال لاقبل ۲۵ سال داشته . آخرین اثر موجودش متعلق بسال ۱۰۵۳ میباشد بنابراین میتوان گفت در سال ۹۸۶ متولد و بسال ۱۰۵۴ در گذشته است و جمعا ۷۰ سال عمر کرده است » .

خوانندگان متوجه خواهند شد که طبق عبارات نوشته شده در روی تصویر کلکسیون کوآتریچ رضاعباسی نقاش در سال ۱۰۴۴ وفات یافته است .



چوگان باز ۱۰۴۲ × ۱۵۷۷ سانتیمتر



زندانی ۶۷۹ × ۶۷۷ سانتیمتر

والغفران بتاریخ سنه ۱۰۴۰ شده بود و بتاریخ شهر صفر سنه ۱۰۸۷ بیادگار جهت مرقع باتمام رسید . مبارکباد معین مصور عون الله » .

دو کلمه از این متن بعلت واضح نبودن عکس خواننده نشده ولی با این حال مقصود آن بسیار روشن است . معین مصور شاگرد رضاعباسی این تصویر را از استادش در تاریخ ۱۰۴۰ شروع کرده و در تاریخ ۱۰۸۷ یعنی چهل و هفت سال بعد آنرا باتمام رسانیده .

شاه عباس اول در تاریخ ۱۰۳۸ وفات یافته و بنابراین معین مصور این تصویر را دو سال بعد از مرگ شاه عباس از رضا عباسی کشیده ، و در این موقع رضا عباسی آنطوریکه از تصویر مورد بحث مشهود میشود در حدود ۷۰ سال داشته .

بنابراین اگر فرض کنیم هنگامی که گلستان هنر نوشته شده رضاعباسی جوانی در حدود ۲۵ ساله بوده باین نتیجه میرسیم که گلستان هنر در حدود سال ۱۰۰۰ نوشته شده است .

خانم داعی زاده اظهار میدارند که تنها نسخه گلستان هنر متعلق بکتابخانه پدرشاست و نگارنده اطلاع ندارد آیا این کتاب تاریخ هم دارد یا خیر . بهر حال اگر تاریخ داشته باشد این فرض را میتوان با آن تطبیق و اصلاح نمود .

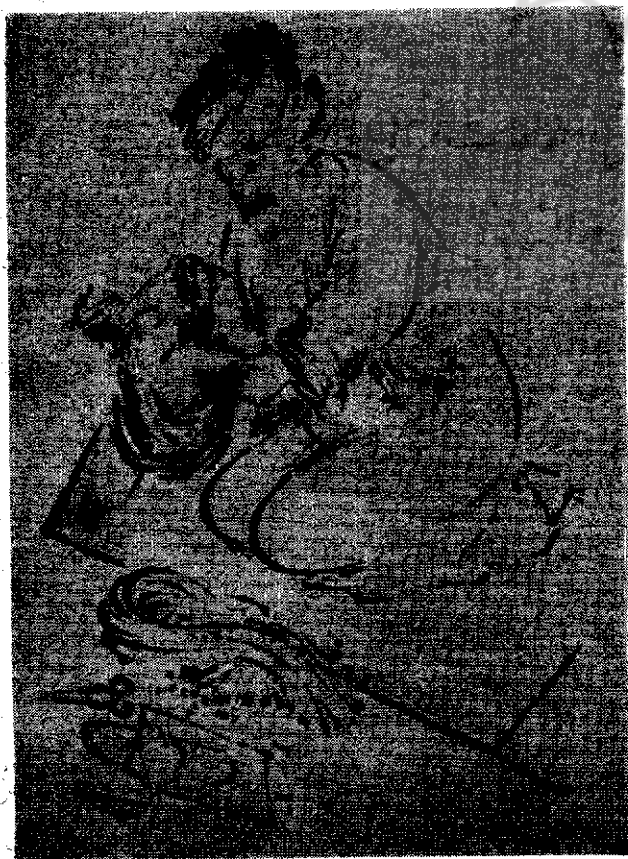
اگر تاریخ مرگ رضاعباسی طبق نوشته روی تصویر کلکسیون کوآتریچ ، ۱۰۴۴ باشد تاریخ تولد وی در حدود

اگر مقصود از آخرین کار رضاعباسی مورخ بسال ۱۰۵۳ عکس شماره ۴ این مقاله میباشد باید متوجه بود که این تصویر مورخ بتاریخ ۱۰۵۲ میباشد و امضای رضاعباسی را ندارد . بعلاوه عبارت « منتصف شعبان المعظم مشق شد ، مبارکباد ، سنه ۱۰۵۲ » که در بالای آن نوشته شده بکلی با خط و امضای رضا عباسی اختلاف دارد و بدون شک کار او نیست ولی بسبب کار او میباشد و شاید بوسیله یکی از شاگردان او ساخته شده باشد .

یا نقاشان معاصر وی متوجه این موضوع شده‌اند که رضاعی‌ها نقاش بزرگی بوده و تصمیم گرفته‌اند همانطوریکه معین مصور میگوید برای حفظ درآلبوم (مرقع) بعنوان یادگار تصویر او را حفظ کنند (کدام آلبوم؟). اتفاقاً در همین زمان است که بسیاری از نقاشان سبک کار رضاعی‌ها را پیش میگیرند و سبک مکتب هرات و بهزاد بکلی متروک و فراموش میگردد.

درواقع سبک رضاعی‌ها بنظر نااندازه‌ای آسان‌تر از سبک کار بهزاد و مکتب هرات است. بهزاد احتمالاً برای تهیه یک صحیفه مصور وقت بسیار صرف مینمود زیرا تمام جزئیات کاشی‌کاریها و نقش چادر و بارگاه و لباس و ریش و غیره را بانهایت دقت نقش مینمود. برعکس غالب کارهای رضاعی‌ها با سبک مخصوصی طرح شده که احتمالاً مدت بسیار کمی از وقت او را گرفته. شاید تهیه بسیاری از این نقوش کمتر از یکساعت وقت لازم داشته‌اند. با اینحال شکی نیست که در بسیاری از کارهای رضاعی‌ها یکنوع روح و حیات مخصوصی است که در بسیاری از کارهای بهزاد نیست. رضا عباسی وقت خود را صرف نقش تمام جزئیات یک سردر یا یک کاشی‌کاری نکرده ولی با چند حرکت دست مشکل‌ترین اشکال و زنده‌ترین حرکات را بیان نموده‌است. در تصاویری که در این مقاله داده میشود خوانندگان خود پی بارزش کار رضاعی‌ها خواهند برد و متوجه خواهند گردید که اگرچه در این تصاویر رنگ بکار برده نشده ولی

بزاز دوره گرد ۱۱۲ × ۱۷۱ سانتیمتر



تصویر مذکور در سال ۱۹۳۱ جزو کلکسیون «انجل-گروس» بوده ولی تصویر دیگری بسیار شبیه به آن در کلکسیون کواتریچ میباشد و آن همان است که خانم داعی‌زاده در مقاله خود داده و متن عباراتی که در روی آن نوشته شده بقرار زیر است: «تصویر استاد من رحمه‌الله علیه که برضای عباسی اشعر معروف است، بود. این تصویر در ماه شوال ۱۰۴۴ شروع شده و در ذالقعده همین سال وی از این دارفانی بسرای جاودانی شتافت. تصویر مذکور چهل سال بعد در چهاردهم رمضان ۱۰۸۴ بخواش فرزندم محمد نصیرا صورت اختتام پذیرفت معین مصور غفرالله ذنوبه».

اما مطلبی که باعث تعجب میباشد این است که بچه علت معین مصور در تصویر کلکسیون «انجل-گروس» و در تصویر کلکسیون کواتریچ شبیه استاد را یکی چهار سال پیش از مرگ



مرد پیر و دختر جوان ۱۲ × ۱۴۶ سانتیمتر

وی و دیگری در سال مرگش شروع کرده و اولی را چهل سال بعد یعنی در سال ۱۰۸۷ و دومی را در سال ۱۰۸۴ با تمام رسانیده است؟

تاریخ جلوس شاه سلیمان دوم در اصفهان سال ۱۰۷۹ و تاریخ مرگش سال ۱۱۰۵ میباشد بنابراین تاریخ اتمام تصویر رضاعی‌ها بدست معین مصور در حدود ده سال پس از جلوس شاه سلیمان دوم است. شاید در این موقع بدلیلی شاه سلیمان



مرد دوزانو نشسته ۸۷×۱۶ سانتیمتر

نموده ، امیدواریم میسر شود که کارهای وی را نیز در مقاله آتیه معرفی نمایم .

خوشبختانه غالب کارهای آقارضا مصور در کتابخانه کاخ سلطنتی گلستان موجود است و الحمدلله در نتیجه مراقبتی که مسئولان کتابخانه مذکور نشان داده‌اند این گنجهای گرانبها در کشور ما باقی مانده ، و جزو آثار نادری میباشند که راه خارج را پیش نگرفته‌اند .

آقارضا اهل هرات است و هنگامیکه جهانگیر پسر اکبر شاه هنوز سمت ولایتعهد را داشت به خدمت وی وارد شد ، و بهندوستان رفت . قسمت مهمی از حاشیه‌های مرقع گلشن را برای جهانگیر با تصاویر بسیار زیبایی مزین نموده و امضای او در صفحات ۲۹ و ۱۰۵ و ۱۴۵ و ۱۵۲ مرقع گلشن دیده میشود .

ولی این مطلب که آقارضا مصور شاگرد رضاعباسی نقاش بوده باشد ، بنظر صحیح نمیآید ، زیرا مثلاً یکی از تصاویر مرقع گلشن که با امضای وی رسیده (صحیفه ۱۰۵ مرقع گلشن) مورخ بتاریخ ۱۰۰۸ است . در اینموقع وی در هندوستان در خدمت جهانگیر بوده و حال اینکه طبق نوشته همین مقاله این موقع ابتدای کار رضاعباسی در دربار شاه عباس بوده است .

آقا رضای مصور پسری نیز بنام ابوالحسن داشته است که با دست چپ نقاشی میکرده و بسیار مورد توجه جهانگیر بوده است ولی توضیح احوال اینان گنجایش این مقاله را ندارد .

حالات مخصوصی چنان بادقت از روی طبیعت نقش شده که بخودی خود در مقابل چشم بیننده بحرکت میآید ، و در فضائی که عمق واقعی دارد جان پیدا میکند . آن مردیکه شکم بزرگی دارد ، و شالش را از روی تنبلی زیر شکمش بسته ، و با حالت مخصوصی با نوک انگشت سرش را میخاراند ، قطعاً از مقابل چشم رضاعباسی گذشته ، و مانند عکس فوری در مغز او مجسم گشته . رضاعباسی نمیتوانسته است بخانه برود و پس از مدتی کار ، این شخص را با تمام جزئیات لباس و مویش نقش نماید . وی پیش از آنکه این قیافه مضحک از نظرش محو شود با چند حرکت قلم آنرا روی کاغذش ثبت نموده . زیرا حرکت فرار است ، و همینکه از نظر محو شد دیگر بدست نمیآید . این کار را پس از چند قرن اروپائیان شیوه خود قرار دادند ، و مکتبها از آن بوجود آوردند . بعضی از سیاه قلمهای رافائل بکارهای میکلا آثر و لئونارد داوینچی شباهت دارد . اگر زندگی هنری رضاعباسی بین ۱۰۰۰ و ۱۰۴۴ هجری (۱۵۹۱ - ۱۶۳۴ میلادی) قرار گرفته باشد باید متوجه بود که میکلا آثر در تاریخ ۱۴۷۵ متولد شده و در تاریخ ۱۵۶۴ وفات یافته و لئونارد داوینچی در تاریخ ۱۴۵۹ متولد و در تاریخ ۱۵۱۹ وفات یافته است .

از نوشته‌های فوق چنین برمیآید که رضا عباسی نقاشی حقیقت ساز است . ولی با اینحال به بسیاری از کارهای رضاعباسی بر میخوریم که برعکس کاملاً خیالی و ایدآلی و دور از حقیقت میباشند . در واقع شاهکارهای رضاعباسی نیز در همین نوع دوم قرار گرفته . رضاعباسی مخترع خطوط منحنی و موزونی است که هر کدام یک دنیا شعر و خیال در بردارند . ولی هر خط منحنی و موزونی زیبا نیست . سرّ زیبا بودن خطوط منحنی و موزون را باید از هنرمندان عالیقدر عصر حاضر سؤال کرد زیرا ما همینقدر می بینیم که زیباست و دل میبرد ولی هیچ دلیل و منطقی برای آن نمیتوانیم بیاوریم . کدام شاعر یا موسیقی دانی توانسته است با دلیل و منطق شعر یا قطعه موسیقی خود را توضیح دهد؟ و مزیت آنرا بر شعر یا قطعات موسیقی دیگران ثابت نماید . اینجا کار دل است نه منطق . وقتی همه ، از شاه عباس کبیر تا ماهیگیر کنار دریای مانس ، متفق القول کار رضاعباسی را میپسندند ، دیگر جای دلیل و منطقی برای بیان زیبایی کار او باقی نمی ماند .

بهتر این است که ما هم قضاوت و تشخیص درباره کارهای رضاعباسی را با ارائه چند تصویر در این مجله بخوانندگان واگذار نمایم . ولی بسیاری دیگر از کارهای این هنرمند در ایران و در خارج از ایران موجود است ، امیدواریم روزی میسر شود که تعداد کمی از کارهای اصلی این استاد را که در تهران است و تعداد زیادی از عکسهای شاهکارهای وی که در خارج ایران است در معرض نمایش عموم قرار بگیرد . اینک ، طبق وعده ابتدای این مقاله ، آقارضا مصور را نیز با چند کلمه معرفی